

حدیث روز:
از امام حسن(ع) سؤال شد: به زحمت افتادن چیست؟ فرمود: اظهار نظر در اموری که به تو مربوط نیست.

پلک احساس:
تو ایستاده‌ای اما توان دم زدن نیست
خوشی‌ات همه فریاد و خود به لب سخت نیست

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۲/۰۰
اذان مغرب: ۱۷/۱۳
اذان صبح (فردا): ۵/۴۸
غروب آفتاب: ۱۶/۵۳
نیمه شب شرعی: ۲۳/۱۵
طلوع خورشید (فردا): ۷/۰۸

واکنش سریع

۵۵- پاییز ۸۵ دانشجوی اقتصاد دانشگاه بابلسر بودم. آن موقع نهایت فناوری گوشی‌های تلفن همراه، بلوتوث و دوربین VGA بود. همان موقع در وقت‌های خالی بین کلاس، بچه‌ها در محوطه بزرگ و باصافی دانشگاه، گله گله می نشستند و برای هم فیلم می فرستادند و هر چند لحظه یک بار، صدای انفجار خنده از جایی به گوش می رسید.

آن موقع اما پر بازدیدترین و پرانتشارترین ویدئویی که دست به دست می شد، ویدئوی زهره بود. زهره سریال نرگس، آنها که باید بداندند، می دانند از چه می گویم. بازیگر سریال‌های پرماشاکر تلویزیون یک دفعه به خاطر یک ویدئو لو رفته در همه جای ایران مشهور شد.

سی دی فیلمش در مغازه‌ها و سر چهارراه‌ها به قیمت ۱۵۰۰ تومان به فروش می رفت. در مترو، اتوبوس، دانشگاه، مدرسه و هر جای دیگری که عده ای بلوتوث داشتند، همه جا حرف از زهره بود.

همه ما که حالا داریم زندگی مان را می کنیم آن روزها داشتیم زندگی زهره را نابود می کردیم.



با هر یک بار تماشای آن ویدئوی خصوصی که آخر هم معلوم نشد چرا و چگونه به بیرون راه پیدا کرد، زهره زهره ترک می شد و ما نمی فهمیدیم ای نمی خواستیم بفهمیم با آبروی یک نفر بازی کردن یعنی چه.

زهره یکی بود مثل ما. عین عین عین ما! یک بار زندگی مان را مرور کنیم این را باور می کنیم. بی حیایی ما اما آبروی او را برد. بعد از آن ماجرا هم مثل همه ما رفتار کرد. ابتدا انکار کرد، بعد تلاش کرد خودش را پنهان کند و حالا چند روزی است که واقعبیت را گفته و فضای مجازی مثل همان موقع پر شده از حرف‌های سد من یک غاز از قضاوت‌های عجولانه درباره خود او و کسی که عامل انتشار فیلم بوده.

حالا هنوز خیلی‌ها می گویند حشش بوده و باید بی آبرو می شده و حواسشان نیست که اگر پرده‌های زندگی ما بيفتد چه حقایقی که برملا نمی شود.

حالا خیلی‌ها می گویند از سر کنجکاوی فیلم زهره را تماشاکرده اند اما می دانیم که واقعبیت چیست و نمی شود خودمان را گول بزنیم.

این وسط آنها که نانشان از فروش این فیلم بود هنوز حرفی نزده اند؛ آنها که آبروی یک انسان را سر چهارراه حراج کرده بودند. تازه ترین اظهارنظرها اما درباره آن آدمی است که عامل انتشار بوده و ظاهرا چند وقت پیش به دلیل بیماری سرطان فوت کرده است. حالا همان آدم‌ها درباره او نظریه می دهند که این عقوبت کارش بوده و او هم حشش بوده و این حرف‌ها. باز یادمان رفته که اگر ما هم بخواییم به خاطر همه کارهایمان مجازات بشویم چندبار در روز باید بمیریم!

زهره که این سال‌ها خارج از کشور زندگی کرده احتمالا نه دیگر به ایران ارادتی دارد نه اعتقادات مذهبی پررنگی. بخش بسیار زیادی از این اتفاق تقصیر ماست. ماهایی که بعضی‌مان هنوز هم اگر شرایط تکرار شود باز هم بهمان سبیل حرکت می کنیم. ﺋ

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

شایه۳۵۱۷۳۵-ISSN۳۶۳۷۰

پایگاه اطلاع‌رسانی:

www.jamejamdaily.ir

پست الکترونیکی:

info@jamejamdaily.ir

سه‌شنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۸ | ۲۰ ربيع الثاني ۱۴۴۱ | صفحه ۲۰ | سال بیستم - شماره ۵۵۵۴ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان Tuesday - 2019 December 17

پیش‌بینی آب و هوا چهارشنبه



تهران ۱۲ / ۲



ایلام ۹ / -۲



اراک ۵ / -۲



بوشهر ۲۰ / ۱۳



رشت ۱۴ / ۶



زاهدان ۱۵ / ۴



زنجان ۵ / -۷



یزد ۹ / ۲

گفت و گو با محمد علی یکتانیک فعال محیط زیست درباره پرندگان مهاجر قانون، جهنم محیط زیست را بهشت می‌کند

طاهره آشنیانی روزنامه‌نگار

🔹 بازار رشت، حال و هوا ی عجیبی دارد. بوی تازگی، سبزیجات و میوه‌های تازه از درخت چیده. بوی انواع ترشی و صдаهایی که بیشتر شبیه آوای غریب هستند، صدای دستفروش‌ها که کالاهای خود را با لهجه زیبای گیلکی تبلیغ می‌کنند. صدای ماهی فروش‌ها که دوست داری چشمانت را ببندی و از کنار بساط ماهی‌ها رد شوی و فقط صدایتشان را بشنوی که انگار تک تک ماهی‌ها را به اسم صدا می‌زنند. فقط صدایتشان خوش است که انگار آواز می‌خوانند. در همه این زیبایی‌ها و مکت‌کردن‌ها نگاهی‌ت را از روی ماهی‌ها عبور می‌دهی اما به یکباره چشم‌ت خیره می‌ماند روی مجمعه‌ای که روی آن چند پرنده پرکنده که هنوز سر در بدن دارند، گذاشته شده. مردی با صدای نخراشیده داد می‌زند: خوتکا... خوتکا. اردک مهاجر از سبیری راه افتاده آمده ایران اما شکار شده! همین قدر بی‌رحمانه... مگر شکار و فروش پرندگان مهاجر ممنوع نیست، پس بطور آزادانه آنها را شکار می‌کنند و می‌فروشند آن هم در بازار سلوغ رشت.

این همه بی‌رحمی می‌ماند ته ذهنم از یک سفر دوروزه به شمال. دیروز اما یک ویدئو در توئیتر دست به‌دست می‌چرخد و من هم آن را می‌بینم، لک‌لک‌ها مثل هر سال آمده‌اند، مهاباد و مریوان در استان کردستان. روی تیرهای چراغ برق و پشت بام‌ها لانه ساخته‌اند یا می‌سازند. دوستی آنها با مردم این شهرها اتقدر عمیق شده که مردم برایشان شاخه‌های نازک و خشک شده را پرت می‌کنند و آنها با منقارشان آنها را می‌گیرند و در لانه‌سازی از آنها استفاده می‌کنند. همین قدر زیبا.

🔹 **از شمال تا غرب این همه تفاوت**
این همه فاصله فرهنگی زیستی از شمال کشور تا غرب عجیب است.



یکتانیک:

ساخت باغ‌های

پرنده در شهرها

بزرگ ترین خیانت

به شهرهای و

پرنده‌ها و محیط

زیست است

کافه

میرداماد



🔹 **قانون، تنها راه نجات محیط زیست**

به یکتانیک می‌گویم، این همه در شبکه‌های اجتماعی می‌خرند. وقتی تقاضا هست، شکارچی هم جری می‌شود و به کارش ادامه می‌دهد.

حیوانات از آهو و گوزن و پرنده‌ها گرفته تا خرس و پلنگ صحبت می‌شود اما مردم انگار نمی‌شنوند و اصلا برایشان مهم نیست که محیط زیست و حیات وحش نابود شود. چرا مردم وارد فاز بی‌تفاوتی یا لجبازی شده‌اند.

این فعال محیط‌زیست می‌گوید: در همه دنیا برای حفظ امنیت و محیط زیست قانون‌های سفت و سخت وجود دارد که اجرا می‌شود که اگر نشود، جرمیه‌های سنگین دارد یا حبس. مثل قوانین راهنمایی و رانندگی که اگر جرمیه نباشد، حتی یک نفر هم کمربند ایمنی که برای سلامت خود فرد مهم است، نمی‌بندد. درباره شکار و محیط زیست هم باید قانون اجرا شود که نمی‌شود. برای شکار جرمیه‌هایی تعیین شده اما واقعیت این است که اجرا نمی‌شود تاکنون کی شکارچی پرنده‌ها جرمیه شده یا شکارچی خرس یا پلنگ. تنها راه حفظ محیط زیست و حیواناتش قانون است. فرهنگ‌سازی شفاهی یا کمپین و سخنرانی و

گفت و گو برای بچه‌ها خوب است برای بچه‌های مهد کودک و دبستان که هنوز ذهنشان در حال شکل‌گیری است نه برای آدم بزرگ‌هایی که شرایط و بی‌قانونی یا عمل نکردن به قانون از آنها دلال ساخته است. به اسم معیشت، طبیعت را نابود می‌کنند و حیوانات را شکار در کشورهایی که قانون اجرا می‌شود هیچ‌کس جرات ندارد به پنهان‌گرانی گوشت گوزن و آهو و پرنده شکار کند چون باید چند برابر قیمت شکار جرمیه پرداخت کند. از طرفی مردم بومی هم آدم‌های عجیبی هستند. مردم مازندران و گیلان برای یک اردک مهاجر که شکار شده و یک کیلو گوشت دارد، صد هزار تومان می‌دهند. با همان صد هزار تومان می‌توانند پنج کیلو

امروز در تاریخ:

🔹 روز حمل و نقل

🔹 انتقال پیکر شهیدندگیان پس از ۱۱ سال اسارت در عراق (۱۳۲۰ ش)

🔹 تولد لودو ویک وان بتهوون، موسیقیدان آلمانی (۱۷۷۰م)

🔹 پرواز اولین هواپیمای موتوردار جهان توسط برادران رایت (۱۹۰۳م)

حکمت ۹۷:

🔹 خوابیدن همراه با یقین، برتر از نمازگاردن با شک و تردید است.



امید مهدی نژاد

طنز نویس

🔹 در شهر براتر اسلاوا در کشور چکسلواکی، جراح مشهوری به نام دکتر اوریسلا دوبچک زندگی می‌کرد که بیماران از تمام نواحی کشور و نیز از کشورهای اطراف برای

جراحی به او مراجعه می‌کردند. در یک عصر سرد زمستانی، که دکتر دوبچک قصد عزیمت از مطب به خانه را داشت، هرجه استارت زد اتومبیلش روشن شد. دکتر دوبچک که واقعا سرگشته شده بود با گوستاو‌ها شک – که مشهورترین تعمیرکار و آپاراتی شهر بود و او را اوس گوستاو خطاب می‌کردند – تلفن زد. دقیقی بعد اوس گوستاو همراه شاکردش به پارکینگ مطب دکتر دوبچک رسید و کاپوت را بالا زد و در ده دقیقه اتومبیل دکتر را تعمیر و روشن کرد. سپس رو به دکتر کرد و گفت: آقای دکتر، من تمام اجزای ماشین را می‌شناسم و می‌توانیم هر عیب و ایرادی را که در ماشین پیدا می‌شود تشخیص بدهم و برطرف کنم. می‌توانم موتور و جلوبندی ماشین را تعمیر کنم و از یک موجود معیوب به یک موجود زنده و سرحال تبدیل کنم. با این حال درآمد سالانه ام یک‌دهم درآمد شما هم نیست. دکتر دوبچک ناگهی به اوس گوستاو انداخت و گفت: جدی گفتی؟ اوس گوستاو گفت: بلی. دکتر دوبچک گفت: توقع داشتم جدی نگفته باشی، اما حالا که جدی گفته‌ای، به من بگو آیا می‌توانی موتور اتومبیل را وقتی در حال کار کردن است تعمیر کنی؟ اوس گوستاو گفت: خیر. دکتر دوبچک گفت: آیا می‌توانی جلوبندی ماشین را وقتی در حال حرکت است پایین بیاوری؟ اوس گوستاو گفت: خیر. دکتر دوبچک گفت: کارنتخوان داری؟ اوس گوستاو گفت: بلی. دکتر دوبچک گفت: بهتر نیست به‌جای این حرف‌های مفت و مقایسه شغل خودت با شغل ما، بدهی کارت بکشم تا برویم به زندگی‌مان برسیم؟ اوس گوستاو گفت: شما هم کارنتخوان دارید؟ دکتر دوبچک گفت: بلی. من تنها کارنتخوان دارم و هم مالیات خود را می‌پردازم، بلکه بیماران کم‌بضاعت را بدون دریافت دستمزد عمل می‌کنم. دکتر دوبچک افزود: دیدی زود قضاوت کردی؟ اوس گوستاو که شرمنده شده بود سر به زیر انداخت و تصمیم گرفت دست از زود قضاوت کردن بردارد و از آن پس تا لحظه تقسیم چکسلواکی به دو کشور چک و اسلواکی همواره به‌موقع قضاوت کرد. ﺋ

کشف سپر ۲۰۰۰ ساله

باستان شناسان در تازه‌ترین پژوهش‌های خود یک سپر جنگی فلزی ۲۰۰۰ ساله در انگلیس کشف کردند.

به گزارش فارس، به گفته باستان شناسان، سپر کشف شده مهم ترین شیء هنری سلطنت است که در ایورکشایر کشف شده است. در سایت کشف این سپر، یک ازاریه، دو اسب و بقایای یک جنگجو نیز کشف شده است؛ تعمیرات و آسیب سپر نیز نشان می‌دهد زرهپوش صرفاً زینتی نبوده و جنگجو با آن در مراسم مختلف شرکت کرده است.

این سپر حدود ۷۵ سانتی‌متر طول دارد و طرح ایجاد شده روی آن یک الگوی پیچیده دارد؛ یافته‌های کامل این تحقیق، در متنی از کتاب‌های Oxbow، در بهار سال ۲۰۲۰ برای انتشار آماده‌می‌شود.



کارشناسان باور دارند، جنگجویی که احتمالا صاحب سپر کشف شده است، حدودا ۴۶ ساله بوده است.